



ایمان مشرک همه‌ی ما یعنی ایران

آژانس‌های خبری واشنگتن روزهای نهم و دهم ژانویه سال ۱۹۷۹ گزارش داده بودند: "دولت آمریکا از طریق ویلیام سولیوان سفیر این کشور در تهران از قول جیمی کارتر به پادشاه ایران اندرز داده بود، به مصلحت اوست که ایران را ترک گوید".

یونایتد پرس از طرف دیوید نیوسام، معاون وزارت امور خارجه آمریکا نوشته بود: "اگر پادشاه ایران کشورش را ترک کند، راه بازگشت او غیر ممکن است". فرانس پرس در این زمینه چنین نوشته بود:

"به نظر مقامات تصمیم‌گیرنده آمریکایی، ادامه حضور پادشاه در ایران مانع برقراری آرامش در این کشور خواهد بود و لذا بهتر است که ایران را ترک گوید". در نهایت شاهنشاه آریامهر، با دسیسه‌ی بین‌المللی و طرح و اجرای یک عوام‌فریبی ملی بنام کودتای ۵۷ کشورش را ترک کرد و غارتگران و چپاولگران به آرزوهای ننگین خود رسیدند و طی ۲۸ سال گذشته کارنامه خون‌آلودی را به دست ناجمهوری انیران اسلامی به ملت ایران تحمیل کرده‌اند. لازم است که به افتخارات و کارنامه ننگین حکومت آخوندی در ایران به سرکردگی آمریکا و انگلیس که گفتارهای اروپائی و روسی را نیز به دنبال خود داشتند اشاره کنم.

هفت میلیون فراری و آواره از وطن، ۲ میلیون کشته و مجروح جنگ تحمیلی، نیم میلیون اعدامی در ۲۸ سال گذشته، ۱۰ میلیون معتاد و بی‌خانمان، یک میلیون روسپی و فرزندان به فساد کشیده شده‌ی ملت ایران، میلیاردها دلار هزینه‌ی جنگ تحمیلی، میلیاردها دلار هزینه‌ی سازمانهای تروریستی و خرافه‌پردازی، میلیاردها دلار دزدی و سرازیر کردن ته‌مانده‌ی سرمایه‌های ملی



مردم ستم‌دیده‌ی ایران به جیب کمپانیها و جنایتکاران داخلی و خارجی، و در نهایت ملتی که به فقر کشیده شده‌اند و اکثر آنها زیر خط فقر به سر می‌برند.

هنگامیکه در برابر حرکت و خشونت مردم احساس خطر کردند، طرح کلاهبرداری و به خاک سپرده شده شیادان لوس آنجلس را که با سوءاستفاده از واژه‌ی رفراندوم و با میلیونها دلار پول به سرقت رفته‌ی ملت ایران طراحی و راه‌اندازی شده بود، به وسیله‌ی مزدوران و لابیستهای جمهوری اسلامی در لوس آنجلس برای فریب مردم وارد میدان کردند. مزدورانیکه به کمک رژیم شتافته و می‌خواستند به اصطلاح تغییر قانون اساسی را به رفراندوم بگذارند.

یکی نیامد از این هفت خطهای وامانده‌ی تاریخ بپرسد که کدام رفراندوم؟ مگر قانون اساسی (جنایتنامه‌ی) جمهوری اسلامی با مراجعه به آراء عمومی نوشته و تکمیل شده بود که تغییرش نیار به رفراندوم و مراجعه به آراء عمومی داشته باشد؟ به فرض که شما باند شیاطین، توانستید مردم را فریب داده و کلاه گشاد دیگری بر سر این ملت ستم‌دیده بگذارید و قانون اساسی آخوندی را هم تغییر دادید! کدام نیروی اجرائی رژیم آخوندی مجری این قانون خواهد بود؟ دایناسورهای عصر حجر شورای نگهبان و یا جنایتکاران استبل اسلامی؟

این شیادان برعکس مفهوم واژه‌ی رفراندوم، خودشان به جای ملت رای داده و رژیم را انتخاب کرده بودند و هر کجا که به نفع جیبشان باشد، بدون نظر مردم نیز اقدام می‌کنند. اینها می‌خواستند که با این فریب و نیرنگ، مردم را به پای صندوقهای رای ببرند و رژیم را به آخرین آرزویش برسانند.

نام ننگین همه این رفراندومچی‌ها در لیست رای‌دهندگان در انتخابات دوم خردادی‌ها برای خاتمی ثبت گردیده است، و جالب اینجاست که نام بسیاری از



جمهوری خواهان فسیل شده‌ی چپ‌گرا در این لیست دیده می‌شود، و بیشتر این افراد به حمایت از رژیم تمایل دارند تا به ایران و تمامیت ارضی آن.

این معلولان مغزی هنوز نمی‌دانند که به دنبال چه هستند و در نهایت رژیم آخوندی را بر پادشاهی یا هر چیز ملی دیگری ترجیح می‌دهند و خود را به اسلام مارکسیستی و لنین نزدیکتر از فردوسی و خیام می‌دانند و دست در دست مزدوران شناخته شده‌ی رژیم آخوندی مخلوط عجیب غریبی شده‌اند که هیچ نامی به جز حرامزاده لایق آنها نیست.

این خودفروختگان بی‌خبرند که پایه‌های آن کوه یخی زیر پایشان ذوب شده، و هنوز هم مشغول ولخرجی پولهای بی‌حساب و کتاب از جیب ملت ایران هستند تا نیروهای مبارز را به سردرگمی و گمراهی بکشند و ته‌مانده‌ی سرمایه‌ی ملت ایران را به جیب شرکت‌های بیگانه بریزند.

شرکت‌های چندملیتی خونخواری که نه تنها ایران را مانند یک گاو شیرده دوشیده‌اند، بلکه رضایت نداده و می‌خواهند گاو آهن به گردن این ملت انداخته و آشیانه‌ی آنها را شخم بزنند. ناگفته نماند که این مزدوران رفراندومچی و سایر گروه‌های حامی چپاولگران زیر چرخ بزرگ جنبش رهائی ملت ایران که در حرکت است پشیزی ارزش ندارند و همگی له و لورده خواهند شد.

و اما این روزها وطن‌فروشان رفراندومچی سابق دسته‌های سینه‌زنی به راه انداخته و با علمداری اکبر گنجی و فخر آورها، برای قدردانی از اندرز ننگین جیمی کارتر به پادشاه ایران، دوباره پای او را به میان کشیده‌اند و در آرزوی دریافت اندرز دیگری، گاهی او را برای نظارت بر انتخابات و تغییر جنایتنامه‌ی اسلامی کانیدا می‌کنند، و گاهی برای پا درمیانی بین دولت آمریکا و آدمخواران ناجمهوری انیران اسلامی. این خود فروختگان تازی صفت، پس از گذشت ۲۸ سال به پیامدهای اندرز جیمی کارتر به پادشاه بزرگ ایران و عواقب آن در



کشورمان هنوز پی‌نبرده‌اند و در خواب زمستانی خود مشغول جویدن پنبه‌دانه هستند.

با نگاهی به فرهنگ نیاکانی و به گفته‌ی فردوسی خردِ انسانی مفهومی بسیار با ارزش دارد و بدون تردید ساخته‌های دستِ بشر از برکت همان خرد و هوش و ذکاوت است، اما تا زمانیکه محیطی فراهم نگردد تا در آن آزادی اندیشه و افکار انسانی مجال بروز و پرورش پیدا کند، دانش و دانشمند در محیط بسته و زیر فشار خفقان ناشی از باورهای مذهبی و خرافاتی محکوم به فنا است. از اینرو یا نابود می‌شود و یا آواره سرزمینهای بیگانه می‌گردد.

بنابراین کسی نیست که با خردورزی مخالفتی داشته باشد مگر آنهایی که منافع خود را در جهل و بی‌خبری دیگران می‌بینند. پس به یاد داشته باشید که مخالفت با خرد و دانائی یعنی مخالفت با زندگی است و تعلیم و تربیت افراد جامعه فقط برای زندگی نیست، بلکه خود زندگیست. پس خرد و خردورزی به یک محیط اجتماعی خردپسند نیاز دارد!

آیا مذاهب سامی و فرزندان ناخلف آنها این آزادی اندیشه را به پیروان خود می‌دهند و یا اینکه مشیتِ الهی را چیره بر سرنوشت انسانها دانسته و همه را به سوی بهشت و حوری و غیره حواله می‌دهند؟

یهودیان بر این باورند که قوم برگزیده‌ی خدا (یهوه) هستند و بهشت از آن قوم یهود است. مسیحیان نیز پیروان عیسی مسیح را رستگار و لایق بهشت می‌دانند. مسلمانان سنی معتقدند که الله تازی غیر از مسلمانان هیچ‌کس دیگری را به بهشت راه نمی‌دهد، و شیعیان عقیده دارند که غیر از شیعه‌های آدم‌کش، افراد دیگری راهی بهشت نخواهد شد، چرا که بقیه همه کافر هستند و باید در همین دنیا گردنشان زده شود و یا دست و پایشان بریده شود. بهاءالله نیز حدود یکصد سال پیش اعلام کرد که خدا را در خواب دیده و از سوی خدا به پیامبری



برگزیده شده و با اعلام آئین من در آوردی خود سایر ادیان را خارج از رده اعلام کرد و فرمودند که همه ملت‌های دنیا دو راه بیشتر ندارند، یا باید بهائی شوند و یا اینکه بروند به جهنم !!

چگونه می‌شود با وجود این همه خرافات مذهبی در جوامع ما خردگرایی را پیشه کرد؟

به یاد دارید ایرانیان عقب‌مانده‌ای را که بدون هیچ فکر و اندیشه‌ای فریب آخوندهای شیاد را خوردند و عکس خمینی را در ماه دیدند!! اجداد همین افراد هم با همین خوش‌باوری اسلام را به زور شمشیر پذیرفتند. ولی امروزه آنهایی که ارادتی کورکورانه به اسلام دارند و از آن به هر شکلی سود می‌برند، خود را به خواب زده و از دیدن آنچه که در اطراف آنان می‌گذرد غافل مانده‌اند و این کوردلان روزی نه چندان دور مکافات اشتباهات احمقانه و جنایات ناشی از آن را با قیمتی گزاف خواهند پرداخت.

هم میهنان، حاکمان غارتگر و ضدبشری انیران اسلامی که رکورد جنایتکاران تاریخ را شکسته‌اند، در تلاش هستند که در آخرین روزهای حکومت ننگین اسلامی، کشور ما را به اربابان خود واگذار نمایند، ولی غافل از آنند که امروزه در مقابل این خودفروختگان ملتی با یک پشتوانه‌ی فرهنگی کهن به پا خاسته‌اند تا فرهنگ و تمدن پرافتخار خود را احیا کنند.

رزمندگان راه آزادی، در کنار ملت ستم‌دیده‌ی ایران، کار را برای اهداف شوم استعمار دشوار کرده و خواب را از چشمان مزدوران و حرامزاده‌های تازی ربوده‌اند، و در برابر تمامی توطئه‌های خودفروختگان داخلی و خارجی و غارتگران بین‌المللی با تمام توان خود ایستاده و به زودی پرونده‌ی این جنایتکاران را به دادگاه ملی خواهند سپرد.



هم میهنان گرامی، تمام چپاولگران غربی و شرقی بارِ دیگر متحد شده‌اند که صدای آزادیخواهان را به سکوت کشانده و بازمانده‌ی ثروتِ ملی ما را غارت کنند. بی‌تفاوتی و عدم مسئولیت هر ایرانی ننگِ تاریخ را برای دهها سال دیگر برای فرزندان ما به دنبال خواهد داشت.

به نامِ ایران و به نامِ کودکانی که تا صبح در کنار خیابانها از گرما و سرما جان باخته‌اند.

به نامِ جوانانی که به دار آویخته می‌شوند. به نامِ آن دختر ایرانی که مجبور به تن فروشی شده است. رزمندگانِ راهِ آزادی ایران برآند که سقفِ رژیم خون و جنایت را در هم کوبند و طرحی نو براندازند و با استقرار یک حاکمیت پارلمانی، افتخارات ملی و میهنی را احیا کنند، که کمک و همگامی هر چه بیشتر هم‌میهنان راه رسیدن به روز آزادی را نزدیکتر خواهد کرد.

به پا خیزید و به ایمان مشترک همه ما یعنی ایران و فرهنگ کهن آن متکی باشید.

ایمان مشرک همه‌ی ما یعنی ایران

پاینده ایران – پایدار و سرافراز باد ملت ایران

نوشیروان

بنیاد ایران‌نمان

۱۸ شهریور ۲۵۶۵ شاهنشاهی | ۹ سپتامبر ۲۰۰۶ مسیحی

